

# نقش حکمرانی خوب در کاهش خشونت

## غلامرضا ظریفیان

دولت در دنیای مدرن، مهم‌ترین عامل استقرار زیست اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود و ماهیتا با حکمرانی دنیای کهن متفاوت است. دولت در سپهر زیست جهان اکنون، نقش مهمی در تحقق امنیت، توزیع عادلانه ثروت، بهره‌مندی از مشارکت عمومی برای ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی و حکمرانی مبتنی بر نظام دانا‌یی را برعهده دارد. دولت‌ها در جهان اکنون، مبتنی بر شاخص‌هایی چون میزان کارآمدی، توسعه رفاه اجتماعی، کاهش فساد و ارتقای سلامت اداری، امنیت اجتماعی، اجماع و انسجام همگانی و در یک کلمه افزایش اعتماد عمومی که بزرگ‌ترین سرمایه برای یک حاکمیت و جامعه محسوب می‌شود، مورد ارزیابی حکمرانی «بد» یا «خوب» قرار می‌گیرند. تحقیقات، مطالعات و پژوهش‌های بسیار جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اقتصاددانان، اصحاب توسعه و... بیانگر ارتباط مستقیم نسبت حکمرانی خوب و کاهش خشونت در ابعاد مختلف آن است. همان‌طور که می‌دانیم از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب، شفافیت و ثبات سیاسی، کارایی و اثربخش بودن، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین و مقررات، کنترل فساد، مشارکت و مسوولیت‌پذیری، خلق و توزیع عادلانه ثروت، تحقق نسبی رفاه اجتماعی و... است. آمارها نشان می‌دهد به میزانی که این شاخص‌ها در یک جامعه محقق می‌شود، به همان میزان امنیت پایدار و مصونیت از خشونت‌های فردی و اجتماعی افزایش می‌یابد. در تبارشناسی فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه ایران در سال‌های قبل از انقلاب، برخی جامعه‌شناسان سیاسی معتقدند، مولفه‌های فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران قبل از انقلاب شامل آمریت، نظریه توطئه، روحیه فردگرایی، افراط و تفریط، عدم تساهل و تسامح و سعه صدر، خشونت و سیاست گریزی مبتنی بر حکمرانی بد بوده است. انقلاب اسلامی سال 57 به‌طور قطع یک گام بلند برای به حاشیه راندن حکمرانی بد و در متن قرار گرفتن حکمرانی خوب به اتکای مشارکت عمومی بوده است. اما به دلایل عدیده این فرصت طلایی، به‌رغم همه تلاش‌ها و جان‌فشانی‌های ملت، آن‌گونه که باید و شایسته جامعه ایرانی بود، محقق نشد. گزارش‌های رسمی و غیررسمی (حداقل طی دو دهه اخیر) حکایت از سطح محسوس کاهش تاب‌آوری جامعه و گسترش خشونت‌های فردی و اجتماعی دارد. دلایل مختلفی را

برای رشد این تروما و آسیب اجتماعی برشمرده‌اند، اما از نظر نگارنده، مهم‌ترین آن را باید در ضعف اساسی حکمرانی خوب در جامعه ایران جستجو کرد. در تشریح این زمینه‌ها صرفاً به چند مولفه می‌توان اشاره کرد:

(1) به میزانی که حکمرانی جامعه از شفافیت فاصله گرفته و مردم با توجیحات مختلف از دسترسی سهل، آسان و آزاد به اطلاعات، آن‌گونه که باید بهره‌مند نشده‌اند.

(2) به میزانی که جامعه با رویه‌ها و روش‌های مختلف با کاهش مشارکت در عرصه عمومی مواجه می‌شود. منظور از مشارکت در اینجا آن است که تمامی مردان و زنان جامعه در تصمیم‌گیری‌ها باید از طریق نهادهای واسط منتخب مردم یا رجوع مستقیم به آنان بتوانند حق اظهارنظر و تصمیم‌سازی داشته باشند. اما این مساله در جامعه ایرانی روز به روز تهدید و محدود می‌شود. حاصل آنکه رفتار سیاسی افراد با آمیزه‌ای از کناره‌گیری، انفعال، ناامیدی و در برخی زمینه‌ها با فرصت‌طلبی، اعتراضات سرپوشیده و بعضاً اعتراض‌های آشکار روبه‌رو می‌شود.

(3) یکی از مولفه‌های بنیادین حکمرانی خوب، کارایی و اثربخشی است. مفهوم کارایی در زمینه حکمرانی، استفاده پایدار از منابع طبیعی، انسانی و معنوی برای توسعه و امنیت پایدار در جامعه است. چنانچه به جای کارایی و اثربخشی جامعه با تغییرات پی در پی، سیاست‌های موسمی و غیر اثربخش، شکاف‌های طبقاتی، رشد و بروز فسادهای اقتصادی در عرصه‌های مختلف، تورم افسارگسیخته، بحران اشتغال و... روبه‌رو شود (که متأسفانه امروز با آن روبه‌رو شده‌ایم)، مهم‌ترین تاثیر این ناکارآمدی در وهله نخست، بی‌تفاوتی و ناامیدی جامعه را نسبت به اکنون و آینده کشور دربر خواهد داشت و در صورت ادامه چنین وضعیتی، جامعه با خشونت‌های پنهان و آشکار فردی و اجتماعی مواجه می‌شود و باید گفت که مواجه شده است.

(4) خلق ثروت و توزیع عادلانه آن در جامعه نیز یکی از مولفه‌های مهم حکمرانی خوب است. همه آموزه‌های دینی و تجربیات بشری حکایت از آن دارد که حکومت و جامعه‌ای که به طور نسبی و روزافزون مبتنی بر رفاه اجتماعی و تویع عادلانه ثروت و فرصت‌های برابر اداره می‌شود از ثبات سیاسی و اجتماعی بسیار فزاینده‌ای برخوردار است و به میزانی که جامعه با فاصله طبقاتی، نظامات رانتی، فساد اقتصادی، تبعیض‌های آشکار، بحران تولید و گسترش دلالتی مواجه می‌شود، خشونت و تنازع و درگیری‌ها در سطوح مختلف فردی و اجتماعی را تجربه می‌کند. موضوع حکمرانی خوب و نسبت آن با کاهش خشونت و تنازعات و تضادهای اجتماعی بحث دراز دامنی است که به تفصیل توسط اصحاب علوم مختلف

به آن پرداخته شده است، اما شوربختانه باید بر این نکته تاکید کرد که گزارش‌های وضعیت اجتماعی ایران (رسمی و غیررسمی) به خصوص در 2 دهه اخیر، گواه افزایش محسوس و معنی‌دار در عرصه جرم و جرایم اجتماعی، فقر و نابرابری، تن‌فروشی، مهاجرت، گرسنگی و سوء‌تغذیه، خشونت‌های خانوادگی و خشونت‌های اجتماعی است. راه درمان تجربه شده جهانی و علمی کاهش خشونت‌های رو به تزاید بازگشت به حکمرانی خوب و پذیرش مقتضیات آن است. در این شرایط است که ما با افزایش اعتماد عمومی روبه‌رو خواهیم بود. تجربه حکمرانی در ایران حکایت از آن دارد که صرفاً با تغییر مدیران، اتخاذ سیاست‌های م‌سکن و مقطعی و برنامه‌های پروصله و پینه اقتصادی و اجتماعی که منجر به کاهش بی‌اعتمادی روزافزودن جامعه به مدیران می‌شود، نمی‌توان به توسعه پایدار و همچنین کاهش خشونت‌های فردی و اجتماعی دست یافت. راه نجات از معلول‌هایی چون خشونت که جامعه ایرانی با آن روبه‌روست، گام برداشتن در جهت علت‌های درست (تلاش برای تحقق حکمرانی خوب) است. در این زمینه باید به مقتضیات حکمرانی خوب نیز وفادار بود. تردید نباید کرد که دشمنان ملت ایران بیش از آنکه امیدوار به سیاست‌ها و اقدامات خود علیه جامعه ایران باشند، امیدوارند با حکمرانی بد و بهره‌گیری از آن در ایران برای ایجاد ناامنی و خشونت طرفی ببندند. بنابراین راهی وجود ندارد که به جای رفتن سراغ معلول‌ها، سراغ علت‌های اصلی یعنی تحقق حکمرانی خوب در ایران برویم. نکته مهم این است که ظرفیت‌های مادی، نیروی انسانی و معنوی حکمرانی خوب را داریم. باید بر این واقعیت تاکید کرد، ملت ایران شایستگی حکمرانی خوب در همه ابعاد را دارد.

منبع: روزنامه اعتماد 31 اردیبهشت 1401 خورشیدی